مجلۀ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال سیزدهم ، شماره ۲، پاییز زمستان ۱۴۰۰، شمارۀ پیاپی ۲۵

DOI: 10.22067/JLKD.2022.74224.1077

واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی

زهره‌سادات، ناصری، استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران،
پریا رزم‌دیده، استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

صص: ۲۸۲-۲۵۷

چکیده

واژه‌بست‌ها واحدهای زبانی هستند که هم برخی از ویژگی‌های رفتاری واژه‌ها را دارند و هم دارای برخی از خصوصیات تکواژهای وابسته هستند. ازاین‌رو، شناسایی و بررسی آن‌ها در زبان‌های مختلف یکی از جالب‌ترین ویژگی‌های زبان‌شناختی از نظر زبان‌شناسان است. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بدین ترتیب، هدف پژوهش حاضر، تعیین و توصیف واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی بر اساس معیارهای آیخن‌والد (۲۰۰۳) است. داده‌های این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، با مراجعه به منابع مختلف گویش قاینی و ضبط گفتار آزاد ۲۰ گویشور بومی ساکن شهرستان قاین و همچنین شم زبانی یکی از نگارندگان گردآوری شده‌است. واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش عبارتند از واژه-بست مفعولی و فاعلی e(d)- و همچنین ضمایر متصل شخصی سوم شخص. نتایج داده‌ها حاکی از آن است که واژه‌بست مفعولی تنها به مفعول مفرد غیرجاندار اشاره دارد و در زمانی که مفعول حضور ندارد به فعل متعدی در همۀ شخص‌ها و زمان‌ها اضافه می‌شود. واژه‌بست فاعلی به فاعل سوم شخص مفرد (عمدتاً جاندار) اشاره دارد و در زمان عدم حضور فاعل، به فعل سوم شخص مفرد در تمام زمان‌ها اضافه می‌شود. درباب نظام مطابقه، تنها زمانی در این گویش حالت کنایی حاکم است که در جملۀ دارای فعل سوم شخص مفرد، e(d)- نقش مفعولی داشته باشد؛ در این صورت نشانۀ یکسان با فاعل فعل لازم و نشانۀ متفاوت با فاعل فعل متعدی دارد. ضمایر شخصی واژه‌بستی هم در این گویش تنها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

پست الکترونیکی: 1. z.naseri@scu.ac.ir 2. p.razmdideh@vru.ac.ir

شامل ضمایر سوم شخص می‌شوند. واژه‌بست‌های ضمیری پس از بررسی براساس معیارهای ۱۵ گانهٔ آیخن‌والد از نظر واژه‌بست بودن مورد تأیید قرار گرفت.
واژه‌های کلیدی: واژه‌بست ضمیری، واژه‌بست مفعولی، ضمایر متصل شخصی، گویش قاینی، معیار آیخن‌والد.

۱. مقدمه

در تقسیم‌بندی واحدهای زبانی به واژه و وند، سازه‌های بینابین دیگری نمود می‌یابند که ویژگی و رفتار منحصربه‌فردی دارند. این واحدهای زبانی که واژه‌بست نامیده می‌شوند نوعی تکواژ وابسته‌ای هستند که از نظر ساخت‌واژی جزء واژهٔ میزبان خود محسوب نمی‌شوند و از نظر آوایی بازنمایی مستقل و آزادانه‌ای همانند یک واژه ندارند. واژه‌بست‌ها را می‌توان یکی از جهانی‌های زبان‌ها به‌شمار آورد که ضمن ایفای نقش دستوری در ساخت‌های بزرگ‌تر از واژه، از نظر آوایی با واژهٔ پایهٔ خود یک واژهٔ واجی می‌سازند.

مطالعهٔ واژه‌بست‌ها در بسیاری از زبان‌های دنیا مورد توجه زبان‌شناسان خارجی و ایرانی قرار گرفته‌است. بسیاری از مطالعات ایرانی انجام‌شده در زمینهٔ واژه‌بست‌ها از الگوهای موجود در پژوهش‌های خارجی جهت تشخیص و شناسایی آن‌ها بهره برده‌اند که در بخش پیشینهٔ پژوهش به معرفی برخی از آن‌ها پرداخته شده‌است. اما آنچه انگیزهٔ انجام این مطالعه شد، بررسی این مهم در یکی دیگر از گونه‌های زبان فارسی، گویش قاینی بود که تاکنون در چارچوب الگوهای موجود در شناسایی و تحلیل واژه‌بست‌ها مورد بررسی قرار نگرفته‌است. ازاین‌رو، پرسش اصلی این جستار، چگونگی شناسایی و تحلیل واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی مبتنی بر معیارهای تشخیص واژه‌بست‌ها از نظر آیخن‌والد (۲۰۰۳) است. بدین منظور، داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده‌اند. علاوه‌براین، شم زبانی یکی از نویسندگان در دسترسی به داده‌های بیشتر و تأیید وصحت داده‌ها بسیار کمک‌کننده بود. شواهد داده‌ای براساس معیارهای ۱۵ گانهٔ آیخن‌والد (۲۰۰۳) ارزیابی و درنهایت واژه‌بست‌های ضمیری این گویش شناسایی و تحلیل شدند.

در ادامه پس از مقدمهٔ پیشِ رو، در بخش دوم پیشینهٔ پژوهش ارائه شده‌است، در بخش سوم واژه‌بست از دیدگاه‌های مختلف به ویژه معیارهای واکاوی واژه‌بست‌های آیخن‌والد (۲۰۰۳) توصیف شده‌است.در بخش چهارم به روش تحقیق اختصاص دارد و در بخش پنجم واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی تحلیل شده‌اند. درنهایت، بخش ششم به نتیجه‌گیری اختصاص داده شده‌است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

مطالعهٔ واژه‌بست‌ها یکی از موضوعاتی که بسیار موردتوجه زبان‌شناسان غیرایرانی (زوئیکی[1]، ۱۹۷۷، ۱۹۸۵؛ ؛ کلاونس[2]، ۱۹۸۵؛ اسپنسر[3]، ۱۹۹۱؛ کاتامبا[4]، ۱۹۹۳؛ آیخن‌والد[5]، ۲۰۰۳؛ بیکل و نیکلز[6]، ۲۰۰۷) و ایرانی (شقاقی، ۱۳۷۴؛ مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴؛ مفیدی، ۱۳۸۶؛ راسخ‌مهند، ۱۳۸۹؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ دبیرمقدم، ۱۳۹۲؛ مزینانی و شریفی، ۱۳۹۴) قرار گرفته‌است. بررسی واژه‌بست‌ها در گویش قاینی، به‌ویژه واژه‌بست‌های ضمیری در چارچوب نظریه‌ای واج‌شناختی تاکنون مورد تحلیل قرار نگرفته‌است. آثاری که گویش قاینی را مورد مطالعه قرار داده‌اند، می‌توان به زمردیان (۱۳۵۰؛ ۱۳۶۸؛ ۱۳۸۵)، اردوان و ابوالفضلی (۱۳۹۱) و مختاری و همکاران (۱۳۹۲) اشاره کرد. علاوه‌براین، سعیدیان (۱۳۹۴) به بررسی حذف آواهای پایانی و تبدیل صامت و مصوت در گویش قاینی و مقایسهٔ آن با فارسی تهرانی و عاملی (۱۳۹۴) به توصیف ساخت‌واژی گویش قاینی پرداخته‌اند. در پژوهشی دیگر می‌توان از مقداری، طالبی و فاروقی (۱۳۹۷) نام برد که لالایی‌های گویش قاینی را از منظر جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار دادند. پژوهش‌هایی که تاکنون دربارهٔ گویش قاینی انجام شده اغلب جنبه‌های نحوی و واجی این گویش را بررسی و تحلیل کرده‌اند (امامی و ناصری (۱۳۸۸)؛ جم و همکاران، ۲۰۲۰؛ ناصری و رزم‌دیده، ۱۳۹۹ و جم و همکاران، ۱۴۰۰). ازاین‌رو، در این بخش

1- Zwicky
2- Klavans
3- Spencer
4- Katamba
5- Aikhenvald
6- Bickel and Nichols

به‌اختصار به معرفی آثاری خواهیم پرداخت که به‌ویژه از دیدگاه آیخن‌والد (۲۰۰۳) واژه‌بست‌ها را در دیگر زبان‌ها و گویش‌های فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند.

مزینانی (۱۳۸۷) واژه‌بست‌های ضمیری گویش مزینان را با فارسی معیار مقایسه کرده و در چارچوب نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی نشان داده که مطابقت مفعولی در زبان فارسی وجود ندارد. وی از ساخت‌هایی به عنوان واژه‌بست–همزاد نام می‌برد که معرف فرایند مضاعف‌سازی در واژه‌بست‌ها هستند. از نظر مزینانی واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش از جایگاه دوم به جایگاه فعلی تحول یافته‌اند. زیرا به دنبال حذف پایانه‌های صرفی بیانگر حالت نحوی زبان‌های ایرانی باستان ابهامی در تغییر نقش نحوی واژه‌بست‌های جایگاه دوم حاصل شده‌است. در پژوهشی دیگر، راسخ‌مهند (۱۳۹۱) توزیع و نقش واژه‌بست‌های ضمیری در گویش رایجی (آران و بیدگل) مانند واژه‌بست‌های فاعلی افعال متعدی گذشته، ملکی، مفعولی (مستقیم و غیرمستقیم)، صفتی و حرف اضافه‌ای را بررسی و به مقایسهٔ آن‌ها با سایر زبان‌های ایرانی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داده است که برخلاف فارسی باستان و میانه، واژه‌بست‌ها در این گویش دیگر در جایگاه واکرناگل[1] به‌کار نمی‌روند و می‌توانند در اشاره به فاعل منطقی جمله در زمان گذشته به صورت شناور به سازه‌های ماقبل فعل افزوده شوند. در یک مطالعهٔ رده‌شناختی، صُراحی و علی‌نژاد (۱۳۹۲)، واژه‌بست‌های فارسی را هم از نظر ساخت‌واژی و هم از نظر نحوی مورد مطالعه قرار دادند. در این پژوهش، واژه‌بست‌های فارسی براساس الگوهای رده‌شناختی آیخن‌والد (۲۰۰۳)، بیکل و نیکلز (۲۰۰۷) و کلاونس (۱۹۸۵) بررسی شدند. از این میان، یافته‌های پژوهش مبتنی بر الگوهای پیشنهادی آیخن‌والد (۲۰۰۳) واژه‌بست‌های موجود در زبان فارسی را شامل ضمایر متصل شخصی، علامت عطف، حرف ندا، نشانهٔ نکره، نشانهٔ اضافه، صورت‌های مخفف فعل ربطی «بودن» و «است» را شناسایی و تأیید کردند. در همین راستا، باباسالاری و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی واژه‌بست‌های گویش تنگستانی دریافتند با توجه به ۱۵ معیار شناسایی واژه‌بست در آیخن‌والد (۲۰۰۳)، ۸ واژه‌بست در تنگستانی وجود دارد شامل: پی‌بست ضمیری، کسرهٔ اضافه، یای نکره، یای تخصیص نکره، پی‌بست معرفه‌ساز، واو همپایگی /=o/، «ها»ی تأکید /=ɑ/، /=am/، /=i/ و ... مخفف هستم، هستی و ... علاوه‌براین، پی‌بست‌های ضمیری در گویش تنگستانی نقش‌های مختلفی مانند

1- Wackernagel

فاعلی، مفعولی (صریح و غیرصریح) و ملکی دارند. در مطالعه‌ای دیگر، حامدی شیروان، شریفی و الیاسی (۱۳۹۵) در بررسی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی چهار نقش فاعلی، مفعولی صریح، غیرصریح و اضافی را شناسایی کردند. در این پژوهش برای هر یک از واژه‌بست‌های مورد نظر میزبان‌های مختلفی از نظر نقش دستوری مشخص شده‌است. برخلاف فارسی معیار، در گویش بهبهانی واژه‌بست فاعلی با میزبان‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. تمایل غالب واژه‌بست‌ها از نظر جایگاه در این گویش، ظهور در جایگاه دوم پس از اولین واژه یا پس از اولین سازه در بند است. در بررسی واژه‌بست‌ها در گویش‌های نزدیک به گویش قاینی، شریفی و صبوری (۱۳۹۷) ضمایر واژه‌بستی را در گویش‌های خراسان رضوی و جنوبی مانند رقه‌ای، طبسی، خوافی، کاظمی و سده‌ای مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد در برخی از این گویش‌ها ضمایر واژه‌بستی کاربرد متنوع‌تر و با بسامد بیشتری دارند و در برخی دیگر دارای کاربرد بسیار کم هستند یا اصلا کاربرد ندارند و متفاوت از زبان فارسی عمل می‌کنند. همچنین متغیرهایی مانند جانداری و معرفگی در پیدایش برخی واژه‌بست‌ها تأثیرگذار هستند. همچنین، شریفی (۱۳۸۹) به طور خاص به بررسی کارکردها و محدودیت‌های واژه–بست /e/ در گویش کاخکی می‌پردازد و عنوان می‌دارد این واژه‌بست در گویش کاخکی علاوه بر ساخت متعدی در افعال ربطی نیز دیده می‌شود.

۳. مبانی نظری پژوهش: واژه‌بست

واژه‌بست‌ها از دیدگاه‌های مختلفی در زبان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ازآنجا که پژوهش حاضر واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی را براساس الگوی آیخن‌والد (۲۰۰۳) شناسایی و تبیین می‌کند، به سایر دیدگاه‌ها به‌اختصار پرداخته می‌شود.

واژه‌بست‌ها ابتدا در مطالعات زبان‌های هندواروپایی شناسایی شدند که عناصر جایگاه دوم[1] نام گرفتند (واکرناگل، ۱۸۹۲). از دیدگاه اسپنسر (۱۹۹۱) واژه‌بست‌سازی[2] نقطهٔ تلاقی ساخت‌واژه، نحو و واج‌شناسی است. وی واژه‌بست‌ها را عناصری می‌داند که رفتار یک واژهٔ کامل را دارند اما آزادانه نمی‌توانند به‌کار روند، زیرا از نظر واجی به یک میزبان نیاز دارند.

1- second position
2- cliticisation

واژه‌بست‌ها از نظر درزمانی معمولاً از واژه‌های کامل به‌وجود می‌آیند و در پیوستار دستوری‌شدگی اغلب به وند تصریفی تبدیل می‌شوند. بدین ترتیب، واژه‌بست‌ها را می‌توان تکواژهای دستوری درنظر گرفت که در اغلب زبان‌های دنیا نه واژه‌های مستقلی هستند و نه جزء وندها محسوب می‌شوند (کاتامبا، ۱۹۹۳: ۲۵۲–۲۵۴، به نقل از زوئیکی، ۱۹۷۷). زوئیکی و پولوم[1] (۱۹۸۳) تکواژهای وابستهٔ زبان را به چهار گروه وند اشتقاقی، وند تصریفی، واژه‌بست ساده و واژه‌بست ویژه تقسیم کردند. آن‌ها در تشخیص واژه‌بست‌ها از وندهای تصریفی شش‌معیار ارائه می‌کنند: ۱. واژه‌بست‌ها از قدرت انتخاب بیشتری در ارتباط با واژه‌های میزبان خود برخوردار هستند. ۲. واژه‌های دارای وند از ویژگی خلاء اتفاقی بیشتری نسبت به گروه واژه‌بستی هستند. ۳. وندها بیشتر از واژه‌بست‌ها دارای ویژگی‌های خاص صرفی هستند. ۴. واژه‌های همراه با وند دارای ویژگی‌های خاص معنایی بیشتری نسبت به گروه‌های واژه‌بستی هستند. ۵. واژه‌های همراه با وند برخلاف گروه‌ها واژه‌بستی می‌توانند تحت‌تأثیر قواعد نحوی باشند. ۶. برخلاف وندهای تصریفی، مضاعف‌سازی در واژه‌بست‌ها وجود دارد. زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳: ۵۰۴–۵۰۳) در تمایز میان واژه‌بست‌های ساده و ویژه، واژه‌بست‌های ساده را هم دارای صورت کوتاه‌شده و هم صورت واژگانی کامل می‌دانند، درحالی‌که واژه‌بست‌های ویژه تنها دارای صورت واژگانی کوتاه‌شده‌ای هستند که به صورت وابسته به واژه‌های میزبان اضافه می‌شوند؛ مثلاً در زبان انگلیسی واژه‌بست ’s ملکی، ’ve و ’se در موقعیتی که مخفف‌های have و is هستند.

در تعریف کلاونس (۱۹۸۵) از واژه‌بست‌ها به عناصری اطلاق می‌شود که می‌توانند از نظر صرفی به یک گروه نحوی متصل شوند. وی به سه پارامتر در تمایز واژه‌بست‌ها اشاره می‌کند که عبارتند از: پارامتر تسلط (آغازی–پایانی)[2]، تقدم (قبل–بعد)[3] و پیوند واجی (پیش‌بست–پی‌بست)[4]. دیدگاهی دیگر در مورد واژه‌بست‌ها را بیکل و نیکلز (۲۰۰۷: ۱۷۴–۱۸۰) مطرح می‌کنند که واژه‌بست‌ها را صورت‌ساز[5] درنظر می‌گیرد که دارای اطلاعات تصریفی هستند. آن‌ها در بیان تمایز بین صورت‌سازها و واژه‌ها معتقدند صورت‌سازها ازآنجاکه ماهیت نحوی

1- Pullum
2- initial-final dominance
3- before-after precedence
4- proclitic-enclitic phonological liaison
5- formative

ندارند (بلکه دارای ماهیت ساخت‌واژی هستند)، نمی‌توانند به عنوان هستهٔ گروه‌ها عمل کننـد، زیرا نمی‌توانند بر واژه‌های دیگر حاکمیت داشته باشند. در مقابل، واژه‌ها چون ماهیـت نحـوی دارند هم می‌توانند به عنوان هستهٔ گروه بـر سـایر واژه‌هـا تسـلط دارنـد و هـم تحـت تسـلط هسته‌های واژگانی دیگر واقع شوند. یکی دیگر از مطالعات جدیـدتر در مـورد واژه‌بسـت‌ها را می‌توان به آیخن‌والد (۲۰۰۳) مربوط دانسـت. در تمـایز میـان واژه‌بسـت‌ها از ونـدها، وی ۱۵ معیار، طبق جدول معرفی می‌کند:

جدول ۱- معیارهای ۱۵گانهٔ آیخن‌والد (۲۰۰۳)[۱]

شمارهٔ معیار	نوع معیار	مثال
۱	به جهت اضافه‌شدن واژه‌بست‌ها به واژه‌های میزبان اشاره دارد. پیش‌بست‌ها به ابتدای واژهٔ میزبان اضافه می‌شوند و پی‌بست‌ها به پایان آن افزوده می‌شوند.	کتابم (کتاب+م) واژهٔ میزبان+پی‌بست[۲]
۲	واژه‌بست‌ها می‌توانند به همهٔ واحدهای زبانی مانند واژه، گروه و جمله اضافه می‌شوند، درحالی‌که وندها به واژهٔ میزبان خاصی افزوده می‌شوند.	خانهٔ بزرگم گروه اسمی+ پی‌بست
۳	واژه‌بست‌ها به آخرین کلمهٔ یک گروه اسمی یا هر اسمی اضافه می‌شوند، اما وندها اغلب به اولین کلمهٔ یک گروه اسمی افزوده می‌شوند.	مانند مثال‌های معیارهای ۱ و ۲

۱ – ازآنجاکه در پژوهش حاضر انواع واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی به‌عنوان شاهد برای معیارهای ۱۵گانهٔ آیخن‌والد (۲۰۰۳) آورده شده‌است، در ذکر مثال برای این معیارها در جدول (۱)، از نمونه‌های موجود در زبان فارسی استفاده شده‌است.

۲- در زبان فارسی تمامی ضمایر متصل شخصی از نوع پی‌بستی هستند.

۴	واژه‌بست‌ها واژهٔ واجی مستقلی را به‌وجود نمی‌آورند، اما وندها می‌توانند به عنوان یک واژهٔ واجی به کار روند.	تمام ضمایر متصل در زبان فارسی
۵	از نظر خصوصیات واج‌آرایی و زنجیری، واژه‌بست‌ها مانند بسیاری از وندها تک‌واژ هستند، اما برخلاف واژه‌ها و وندها تکیه‌بر نیستند.	خداوندا (خداوند + الف ندا) واژهٔ میزبان+پی‌بست
۶	واژه‌بست‌ها از انسجام واجی برخوردارند یعنی فرایندهای واجی که بر یک واژه‌بست اعمال می‌شوند اغلب در مرز واژهٔ میزبان و واژه‌بست رخ می‌دهند.	خونتون /xune+tun/ → [xuna + tun] واژهٔ میزبان+پی‌بست
۷	در مرز میزبان واژه‌بست نمی‌توان مکث کرد.	ضمایر متصل در زبان فارسی همگی بدون مکث پس از واژهٔ میزبان به‌کار می‌روند.
۸	واژه‌بست‌ها مجاز هستند به واژه‌هایی افزوده شوند که دارای واژه‌بست هستند، اما وندها نمی‌توانند به کلماتی اضافه شوند که واژه‌بست دارند.	کتابشونه (کتاب+شون+ه) واژهٔ میزبان+واژه‌بست+پی‌بست
۹	به نحوهٔ قرار گرفتن واژه‌بست‌ها در زنجیرهٔ واژه‌بستی اشاره دارد.	پاهاشون (پا+ها+شون) واژهٔ میزبان +وند+پی‌بست
۱۰	در ارتباط با جایگاه واژه‌بست نسبت به آنچه وند تعریف می‌شود، واژه‌بست‌ها اغلب خارج یا بعد از همهٔ وندها واقع می‌شوند.	مثال معیار ۹

۱۱	واژه‌بست‌ها با واژه‌های مربوط به طبقات دستوری مختلفی به‌کار می‌روند.	مثلاً ضمایر متصل شخصی در زبان فارسی می‌توانند نقش‌های دستوری مختلفی را در گروه‌های واژه‌بستی خود به‌عهده گیرند: بردمش (واژه‌بست در نقش دستوری مفعول بی‌وابسته) ازت خواستم (واژه‌بست در نقش دستوری متمم) خانه‌ام (واژه‌بست در نقش دستوری اضافهٔ اسمی)
۱۲	میدان عملکرد نحوی واژه‌بست محدود به حوزهٔ واژه‌ها نیست، برخلاف وندها به گروه‌ها یا جمله‌ها هم اضافه می‌شوند.	مانند مثال ۱۱
۱۳	واژه‌بست‌ها از احتمال واژگانی شدن برخوردارند و دارای خصوصیات خاص صرفی و معنایی هستند.	ازآنجاکه واژه‌بست‌ها با واژهٔ میزبان خود دارای رابطهٔ ساختی یا دستوری خاصی مانند اضافهٔ ملکی، اضافهٔ صفتی، اضافهٔ اسمی، متممی با حرف اضافه، مفعول صریح، عطف و ندایی دارند، می‌توانند با داشتن معنای خاصی از احتمال واژگانی‌شدن برخوردار باشند.
۱۴	ازآنجاکه واژه‌بست عنصری هم‌ردیف واژه تلقی می‌شود، قواعد نحوی مانند حرکت و حذف به قرینه عملکرد یکسانی بر ترتیب «واژه+واژه‌بست» همانند «واژه+واژه» دارند.	مانند مثال ۱۱
۱۵	مربوط به رابطهٔ واژه‌بست‌ها با طبقات واژگانی است. به‌عبارتی واژه‌بست‌ها تمامی طبقات واژگانی مانند اسم، فعل، صفت، ضمیر و ... را به عنوان میزبان خود می‌پذیرند.	مانند مثال ۱۱

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای-میدانی انجام شده‌است. در جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای، از زمردیان (۱۳۵۰؛ ۱۳۸۵؛ ۱۳۶۸) بهره گرفته شده

است. در مورد داده‌هایی که به روش میدانی گردآوری شدند، از ۲۰ گویشور بومی (۱۰ مرد و ۱۰ زن) ساکن شهرستان قاین در سنین ۵۰ به بالا با تحصیلات کم یا بی‌سواد مصاحبه صورت گرفت و در نتیجهٔ مصاحبه با گفتار آزاد، هر گویشور به مدت ۱۵ دقیقه، پیکرهٔ شفاهی حاوی ۵۰۰ واژه دارای واژه‌بست تهیه شد. با بررسی داده‌های پژوهش، واژه‌بست‌های ضمیری گویش قاینی، موجود طبق ۱۵ معیار پیشنهادی آیخن‌والد (۲۰۰۳) شناسایی و تحلیل شدند. درنهایت، درخصوص نظام مطابقهٔ گویش قاینی نکاتی ذکر شده‌است. لازم به ذکر است، در صورت نیاز به داده‌های بیشتر از شمّ زبانی یکی از نگارندگان بهره برده‌شد. همچنین، داده‌های پژوهش با استفاده از الفبای آوانگار بین‌المللی آی‌پی‌ای[1]، نسخهٔ دولوس سیل[2]، آوانگاری شده‌اند.

۵. واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی

گویش قاینی نیز همانند سایر گویش‌ها دارای واژه‌بست است. در این جستار انواع واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بر اساس معیارهای واژه‌بستی آیخن‌والد (۲۰۰۳) مورد بررسی قرار خواهند گرفت. این واژه‌بست‌ها عبارتند از: e(d)- مفعولی، e(d)- فاعلی و ضمایر متصل شخصی سوم شخص. در ادامه به شرح کامل این واژه‌بست‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۵. واژه‌بست مفعولی

در زبان فارسی ضمیر پی‌بستی مفعولی بعد از فعل اضافه می‌شود، به عنوان نمونه «َم» در «علی رسوندم خونه». این ضمایر واژه‌بستی همان ضمایر شخصی هستند که میزبان آن‌ها می‌تواند اسم، فعل، صفت، حرف اضافه، ضمیر پرسشی و ضمیر اشاره باشد (صراحی و علی‌نژاد، ۱۳۹۲). اما در گویش قاینی ضمایر شخصی متصل بعد از فعل به‌کار نمی‌روند. تنها ضمیر پی‌بستی مفعولی، ضمیر سوم شخص مفرد بی‌جان است و به صورت e- ظاهر می‌شود.

این واژه‌بست مفعولی گاهی به صورت تکواژگونهٔ de– ظاهر می‌شود. واژه‌بست e- تنها در صورت عدم حضور مفعول صریح بی‌جان، به افعال متعدی اضافه می‌شود. این واژه‌بست در گویش خانیکی (لباف خانیکی، ۱۳۸۱)، گویش کاخکی (شریفی و صبوری، ۱۳۹۷؛ شریفی، ۱۳۸۹) و فردوس (یاحقی، ۱۳۸۱؛ دبیرمقدم،۲۰۲۰) نیز گزارش شده‌است.

1- International Phonetic Alphabet (IPA)
2- Doulos SIL

(1) bexârdom=e خوردمش (شریفی،۱۳۸۹: ۴)

(2) bo-bord=šan=e آن‌ها آن/آن‌ها را بردند (دبیرمقدم، ۲۰۲۰: ۳۷۰)

در جدول (۳) کاربرد واژه‌بست مفعولی e- در افعال متعدی برای اشخاص مختلف مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه تنها فعل اول شخص مفرد در زمان‌های مختلف آورده شده‌است و سایر اشخاص تنها در زمان گذشتهٔ ساده صرف شده‌اند. کاربرد واژه‌بست در سایر اشخاص الگویی همانند اول شخص مفرد دارد.

در مورد bo-xārd-and=e «آن را خوردند» لازم به ذکر است که این فعل چون خودش به همخوان /d/ ختم می‌شود، /d/ی واژه بست حذف می‌شود. همچنین، در زمانی که فعل بدون واژه‌بست است، همخوان /d/ پایانی تلفظ نمی‌شود [boxārdan].

جدول ۳- واژه‌بست مفعولی در گویش قاینی

bo-xārd-om=de	آن را خوردم
mo-xārd-om=de	آن را می‌خوردم
bo-xord-a-y-om=de	آن را خورده‌ام
bo-xord-a bod-om=de	آن را خورده بودم
mo-xor-om=de	آن را می‌خورم
bo-xord-a xa bod-om=de	آن را خورده خواهم بود
be-xa xārd-om=de / bo-x-om xārd=e	آن را خواهم خورد
bo-xārd-i=de	آن را خوردی
bo-xārd=e	آن را خورد
bo-xārd-em=de	آن را خوردیم
bo-xārd-ey=de	آن را خوردید
bo-xārd-and=e	آن را خوردند
bo-xor=e[1]	آن را بخور

1- تمامی افعال امر متعدی در صورتی که واژه‌بست مفعولی بپذیرند، این واژه بست به صورت /e-/ ظاهر می‌شود و علت اینکه به صورت /de-/ ظاهر نمی‌شود این است که اگر de- به فعل امر اضافه شود با زمان گذشتهٔ سادهٔ سوم شخص مفرد یکسان می‌شود و شاید علت حذف همخوان /d/ همین باشد.

آن را بخورید	bo-xor-ey=de

در مورد اتصال واژه‌بست e– به فعل امر ذکر این نکته ضروری به نظر مـی‌رسـد کـه افعـال امری که به واکه /e/ ختم می‌شوند، به دلیل اینکه دو واکهٔ /e/ در کنار هم می‌آیند، یکی از ایـن واکه‌ها تلفظ نمی‌شود.[1] این امر در مورد افعال نهی هم صدق میکند.

(2) vā-de+e (de+e→de) →vā-de / va-ma:-de — آن را بده/ آن را نده

واژه‌بست فـاعلی+ ده–ب(پیشـوندفعلی) ده–نشـانهٔ نهی–ب(پیشوندفعلی)

ā ne (ne+e→ne) / ma:-ne ǰ(3) h-ow- — آنجا بگذار(ش)/ نگذارش

واژه‌بست+بگذار بگذار جا–آن–در گـذار– نشانهٔ نهی

۲–۵. واژه‌بست فاعلی

فاعل در گویش قاینی همواره به صورت ضمیر منفصل ظاهر مـی‌شـود و تنهـا فاعـل سـوم شخص مفرد می‌تواند به صورت واژه‌بست فاعلی e– ظاهر شود و بـه فعـل پـی‌بسـت شـود.[2] ضمایر منفصل فاعلی در این گویش به شرح (۴) است:

(4)

maمن	māما
toتو	šomāشما
ʔuاو	ʔunuآن‌ها/ ایشان

این ضمایر منفصل همانند فارسی در ابتدای جمله به کار می‌روند و به اعتبـار شناسـه مـی‌توانند حذف شوند. در گویش قاینی، افعال سوم شخص مفرد چه دارای شناسهٔ ظـاهری باشـند (مانند حال استمراری) و چه دارای شناسهٔ صفر باشد (مانند گذشـتهٔ سـاده) چنانچـه فاعـل بـه صورت ضمیر منفصل یا گروه اسم ظاهر نشود، واژه‌بست فاعلی e– می‌پذیرند. این واژه بسـت به انتهای فعل و تنها به افعال ربطی، لازم و متعدی سوم شخص مفرد اضافه می‌شود. ظهور این

۱– لازم به ذکر است در گویش قاینی، این طور نیست که هرگاه فعل به واکه ختم شود، یکی از واکه‌ها حذف شود .چون در فعل دوم شخص مفرد در زمان گذشته و حال، وقتی‌که فعل به شناسهٔ /i/ ختم می‌شود، واژه‌بست به‌صورت /de/ ظاهر می‌شود. برای همین حذف واکهٔ /e/ تنها زمانی رخ می‌دهد که خود فعل به همان واکه /e/ ختم بشود.

۲– در مثال sard=i bo (سردش بود)، واژه‌بست فاعلی به میزبان صفتی اضافه شده‌است.

واژه‌بست در گویش کاخکی نیز مشاهده می‌شود (شریفی و صبوری، ۱۳۹۷). چنانچه این واژه‌بست، در صورت عدم حضور فاعل به صورت ضمیر یا اسم، به فعل لازم و ربطی اضافه شود، به فاعل سوم شخص (انسان و غیرانسان) اشاره دارد.

(5) beraft=e او رفت

واژه‌بست فاعلی ۳ش م=برفت

خوشه‌های همخوانی /ft/ در صورت عدم افزوده‌شدن واژه‌بست تلفظ نمی‌شوند و این فعل به صورت [bera] «رفت» تلفظ می‌شود.

در va-m-enšin-a، واکهٔ /e/ در -me (پیشوند استمراری) به جهت همجواری با واکهٔ آغازی تکواژ [enšin] حذف می‌شود. همچنین در va-nšest-a bo، واکهٔ تکواژ [enšest] به خاطر همجواری با واکهٔ /a/ در /va/ و جلوگیری از التقای واکه‌ها حذف می‌شود.

در جدول (۴) دلیل اینکه گروه فعلی پیش از اتصال واژه‌بست آورده شده این است که در این گویش برخی همخوان‌های پایانی به‌خصوص همخوان‌هایی که در خوشهٔ پایانی قرار دارند، تلفظ نمی‌شوند و زمانی که واژه‌بست e- به آن‌ها اضافه می‌شود، به سطح می‌آیند و تلفظ می‌شوند.

جدول ۴- واژه‌بست فاعلی در گویش قاینی

فارسی معیار	گروه فعلی پس از اتصال واژه‌بست	گروه فعلی پیش از اتصال واژه‌بست
آن/ او خوب است	xub-a=de / xub est=e	xub-a
آن/ او خوب بود	xub bod=e	xub bo
آن/ او خوب خواهد بود	xub xa bod=e	xub xa bo
آن/ او خوب باشد	xub beš-ad=e	xub beš-a
آن/ او خوب می‌باشد	xub me-b-ad=e	xub me-b-a
او نشست	va-nšast=e	va-nšas
او می‌نشیند	va-m-enšin-ad=e	va-m-enšin-a
او نشسته بود	va-nšest-a bod=e	va-nšest-a bo
او نشسته است	va-nšast-a-y-a=de / va-nšast-a-st=e	va-nšest-a-y-a/ va-nšest-a-s

او خواهد نشست	vā-xa-nšast=e	vā-xa-nšas/ vā-xa-nša
او نشسته خواهد بود	va-nšest-a xa bod=e	va-nšest-a xa bo

این واژه‌بست پس از فعل ربطی /a/ به معنی «است» به صورت de- ظاهر می‌شود. اگر e– به فعل متعدی سوم شخص مفرد افزوده شود، چنانچه فاعل حضور داشته باشد اما مفعول (بی‌جان) حضور نداشته باشد، به مفعول اشاره دارد (مثال ۶) و در صورت حضور مفعول و عدم حضور فاعل، به فاعل اشاره دارد (مثال‌های ۷ و ۸).

(6) ali bo-bord=e — علی بردش

علی ببرد=واژه‌بست مفعولی بی‌جان

(7) ketāb ra (ketāb=a) bo-bord=e — کتاب را برد

کتاب را کتاب=را ببرد=واژه‌بست فاعلی ۳ش م

(8) ke=r ma-yad=e — او چه کسی را می‌خواهد؟

چه کسی=را می‌خواهد=واژه‌بست فاعلی ۳ش م

در مواردی که فاعل و مفعول هیچ‌کدام حضور ندارند، واژه‌بست بسته به بافت می‌تواند به هرکدام اشاره داشته باشد (مثال ۹) و در مواردی که هر دو حضور داشته باشند، واژه‌بست به فعل اضافه نمی‌شود (مثال ۱۰).

(9) bo-bord=e — آن را برد/ (او) برد

ببرد=واژه‌بست مفعولی بی‌جان/ واژه‌بست فاعلی

(10) ali ketāb=a bo-bor — علی کتاب را برد

علی کتاب=واژه‌بست مفعول‌نما ببرد

برخلاف زبان فارسی که حضور واژه‌بست مفعولی و فاعلی به‌ترتیب در حضور مفعول و فاعل امکان‌پذیر است (صراحی و علی‌نژاد، ۱۳۹۲)، مانند مثال‌های (۱۱) و (۱۲)، در گویش قاینی واژه‌بست مفعولی و فاعلی نمی‌تواند در حضور مفعول و فاعل حضور داشته باشد (مثال ۱۰).

(11) ketāb=o bar-dāšt-i=š — کتاب را برداشتیش

کتاب=را برداشتی=واژه‌بست مفعولی

(12) ali raft=eš / raft-e bud=eš علی رفتش / رفته بودش

واژه‌بست فاعلی= رفت علی

تفاوت دیگر این است که در فارسی محاوره‌ای، واژه‌بست فاعلی تنها در افعال لازم در ماضی ساده و بعید فعل سوم شخص مفرد ظاهر می‌شود، اما در قاینی در تمام زمان‌های فعل لازم سوم شخص مفرد این واژه‌بست وجود دارد. شاید در فارسی محاوره‌ای، علت وقوع واژه‌بست فاعلی در زمان ماضی ساده و بعید این باشد که تنها در این دو زمان است که فعل سوم شخص مفرد شناسه آشکار ندارد و به جبران آن گوینده واژه‌بست eš- را در جایگاه پس از فعل بیان می‌کند.

واژه‌بست e(d)–، در نقش فاعلی یا مفعولی، در تمام موارد به انتهای فعل پس از شناسه افزوده می‌شود. در مورد افعال مرکب و پیشوندی هم وضع چنین است و واژه‌بست به جزء فعلی اضافه می‌شود.

(13) dar=a va mo-kon-ad=e او در را باز می‌کند

واژه‌بست فاعلی= می‌کند باز را= در

(14) var-goft-om =de آن را گفتم

واژه‌بست مفعولی= شناسه۱ش م–گفت–پیشوندفعلی

دراین گویش، فعل (اعم از متعدی و لازم) در زمان آینده در شخص‌های اول شخص مفرد و جمع و نیز دوم شخص مفرد به دو صورت تصریف می‌شود. تصریف اول به صورتی است که شناسه به جزء دوم یعنی فعل اصلی اضافه می‌شود (مثال ۱۵) و در تصریف دوم، همانند فارسی معیار، شناسه به جزء اول یعنی فعل کمکی اضافه می‌شود (مثال ۱۶). بنابراین در تصریف دوم، واژه‌بست مفعولی با وجود جداماندن از شناسه به ریشهٔ ماضی افعال می‌چسبد. بر همین اساس می‌توان گفت، تنها موردی که این واژه‌بست به بن فعل و نه به فعل شناسه‌دار افزوده می‌شود در مورد تصریف دوم فعل در زمان آینده است.

(15) be-xa xārd-om=de آن را خواهم خورد

واژه‌بست مفعولی= خوردم خواه–ب(پیشوندفعلی)

(16) bo-x-om xārd=e آن را خواهم خورد

واژه‌بست مفعولی= خورد خواهم–ب(پیشوندفعلی)

در تصریف اول فعل آینده، واژه‌بست به جزء دوم اضافه می‌شود که شناسه‌دار است و در تصریف دوم، واژه‌بست باز هم به جزء دوم اضافه می‌شود که بدون شناسه است (چون بن فعل است). فعل‌های سوم شخص مفرد و جمع و دوم شخص جمع یک حالت تصریف دارند. در مورد سوم شخص مفرد، شناسه هر دو جزء صفر است (مثال‌های ۱۷ و ۱۸) و در مورد سوم شخص و دوم شخص جمع، شناسه تنها به جزء دوم افزوده می‌شود و واژه‌بست پس از شناسه به جزء دوم متصل می‌گردد (مثال‌های ۱۹ و ۲۰).

(۱۷) be-xa xārd=e — آن را خواهد خورد

واژه‌بست مفعولی= خورد خواه–ب(پیشوندفعلی)

(۱۸) be-xa raft=e — او خواهد رفت

واژه‌بست فاعلی= رفت خواه–ب(پیشوندفعلی)

(19) be-xa xārd-ey=de — آن را خواهید خورد

واژه‌بست مفعولی= خوردید خواه–ب(پیشوندفعلی)

(20) be-xa xārd-and=e — آن را خواهند خورد

واژه‌بست مفعولی= خوردند خواه–ب(پیشوندفعلی)

۳-۵. ضمایر شخصی در نقش ملکی

در گویش قاینی ضمایر شخصی که در واقع همان ضمایر ملکی می‌باشند، به شرح (۲۱) است:

(21)

کتاب من ketāb ma	کتاب ما ketāb mā
کتاب تو ketāb to	کتاب شما ketāb šomā
کتاب او ketāb=i	کتاب آن‌ها (اینان) ketāb=inu

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تمامی ضمایر شخصی منفصل هستند و همتای متصل یا واژه‌بستی ندارند، به جز ضمایر سوم شخص مفرد /i/ و جمع /inu/. این دو ضمیر به خاطر اینکه با واکه شروع می‌شوند، با همخوان پایانی گروه اسمی تشکیل هجای مجزایی می‌دهند و چنانچه گروه اسمی به واکه ختم شود، [y] میانجی میان واکه‌ها قرار می‌گیرد (serā-y=i «منزلش» و serā-y=inu «منزلشان»). در گویش سده (افضل‌نژاد، ۱۳۷۷) نیز به این واژه‌بست

اشاره شده است. در واقع، ساختار این دو ضمیر باعث شده که رفته‌رفته از حالت منفصل به حالت متصل تبدیل شوند و در مسیر واژه‌بست شدن پیش بروند. ضمیر شخصی متصل دیگری در این گویش رواج دارد که تمایز جان‌داری را نشان می‌دهد و زمانی به کار می‌رود که مالک بی‌جان باشد. این واژه‌بست enǰe- است:. در واقع، برای مالک بی‌جان هر دو واژه‌بست enǰe- و i- به کار می‌رود و برای مالک جاندار تنها از واژه‌بست i- استفاده می‌شود.

(22) maši, šiše-y-enǰe beškas ماشین، شیشه‌اش شکست

ضمایر شخصی سوم شخص متصل که واژه‌بست هستند به واژه‌های میزبان از طبقهٔ اسم، حرف اضافه، ضمیرپرسشی و یا ضمیر اشاره متصل می‌شوند:

الف. اسم (گروه اسمی) + ضمیر متصل شخصی سوم شخص

(23) ketāb=inu کتابشان

(24) mašin=i ماشینش

(25) lāstik=enǰe لاستیکش

ب. حرف اضافه + ضمیر متصل شخصی سوم شخص در نقش متممی

(26) az=i va-stond-om ازش گرفتم

(27) va-y-=nu var-goft-om بهشون گفتم

(28) az=enǰe ow mia ازش آب میاد

ضمایری که پس از حروف اضافه به کار می‌روند نیز به جز سوم شخص فقط به صورت منفصل رواج دارند و نوع واژه‌بستی ندارند (جدول ۵).

جدول ۵- ضمایری که پس از حروف اضافه به کار می‌روند.

hara ma	با من	az ma	از من	ha/ va ma	به من
hara to	با تو	az to	از تو	ha/ va to	به تو
hara-y=i	با او	az=i	از او	hey/ vay	به او
hara-y=enǰe	با آن	az=enǰe	از آن	va=nǰe	به آن
hara mā	با ما	az mā	از ما	ha/ va mā	به ما
hara šomā	با شما	az šomā	از شما	ha/ va šomā	به شما
hara-y=inu	با آن‌ها	az=inu	از آن‌ها	heynu/ vaynu	به آن‌ها

آنچه در ردیف اول جدول (۵) آورده شده است، در واقع همان واژه‌بست ضـمیری مفعـول غیرمستقیم است که در این گویش تنها برای سوم شخص‌ها فعال است. حرف اضـافه «بـه» در قاینی در بافت‌های مختلف به‌صورت [ha] یا [va] ظاهر می‌شـود. ایـن حـرف اضـافه قبـل از ضمیر منفصل سـوم شـخص مفـرد به‌صـورت [hey] و [vay] تلفـظ مـی‌شـود. تعامـل میـان فراینـدهای واجـی رفـع التقـای مصـوت‌ها، همگـونی و حـذف در اشـتقاق روسـاختی (۲۹) آمده‌است:

(۲۹) اشتقاق [hey] و [vay] از /hai/ و /vai/

بازنمایی واجی	/ha+i/	/va+i/
رفع التقای مصوت‌ها	hayi	vayi
همگونی	heyi	-
حذف واکهٔ [i]	hey	vay
بازنمایی آوایی	[hey]	[vay]

توجه کنید اشـتقاق [heynu] و [vaynu] از /hayinu/ و /vayinu/ مانـند اشـتقاق (۲۹) است.

د. ضمیر پرسشی + ضمیر متصل شخصی سوم شخص

(30) koǰa-y=i dard mokona کجاش درد می‌کنه؟

ه. ضمیر اشاره+ ضمیر متصل شخصی سوم شخص

(31) heyǰā-y=i dard mokona اینجاش درد می‌کنه

۴-۵. بررسی واژه‌بست‌های ضمیریِ گویش قاینی بر اساس معیار های آیخن‌والد (۲۰۰۳)

در این بخش واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی بر اساس معیارهای ۱۵گانهٔ آیخن‌والد (۲۰۰۳) مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

تمام واژه‌بست‌های ضمیری به دنبال واژه‌ای متصل می‌شـوند، ولـی بخشـی از سـاخت‌واژهٔ اشتقاقی یا صرفی محسوب نمی‌شوند. بنابراین برطبق اولین معیار آیخن‌والد (۲۰۰۳) جهتی کـه واژه‌بست به میزبان اضافه می‌شود، باید مورد بررسی قرار گیرد که بر این اسـاس جهـت واژه‌-بست‌های ضمیری در این گویش پی‌بست است.

معیار دوم آیخن‌والد (۲۰۰۳) واژه‌بست را به عنوان عنصری درنظر می‌گیرد که می‌تواند تقریباً به هر طبقۀ واژگانی اضافه شود. میزبان واژه‌بست فاعلی و مفعولی در گویش قاینی فقط فعل است و ضمایر شخصی سوم شخص میزبان خود را از طبقات دستوری اسم، صفت، حرف اضافه، ضمیر پرسشی و ضمیر اشاره انتخاب می‌کند. هرچند واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی مطابق با معیار دوم آیخن‌والد (۲۰۰۳) نیستند اما ضمایر شخصی سوم شخص هم‌راستا با این معیار می‌باشند. برهمین اساس، همچنین، معیار پانزدهم یعنی رابطۀ واژه‌بست‌ها با طبقات واژگانی تایید می‌شود.

پارامتر سوم به نوع میزبان می‌پردازد. از نظر نوع میزبان، در قاینی، واژه‌بست‌های ضمیری به آخرین کلمه هر گروه اضافه می‌شود که منطبق با معیار سوم آیخن‌والد (۲۰۰۳) است.

پارامتر چهارم آیخن‌والد (۲۰۰۳) تمایز بین واژه‌بست و واژۀ واجی را بیان می‌کند. واژ– بست‌های ضمیری در گویش قاینی تکیۀ اصلی نمی‌گیرند و صورت‌های وابسته هستند؛ آن‌ها نمی‌توانند به صورت واژواجی به‌کار برده شوند و با واژۀ میزبان خود گروه واژه‌بستی را به وجود می‌آورند. این موضوع در مثال‌های زیر به روشنی نشان داده شده‌است:

(32) [[[var [xond] om] de] — خواندمش
شناسه۱م خواند پیشوندفعلی واژه‌بست مفعولی

(33) [[[[be [reft] a] bod] e] — او رفته بود
واژه‌بست فاعلی بود نشانۀ صفت مفعولی رفت پیشوند فعلی

(34) [[[daftar] un] i] — دفترهایش
واژه‌بست ضمیر شخصی۳ش م تکواژجمع دفتر

(35) [[[dokma]un] enǰe] — دکمه‌هایش[1] (مالک غیرجاندار است)
واژه‌بست ضمیر شخصی۳ش م غیرجاندار تکواژجمع دکمه

این مثال‌ها نشان می‌دهد در هنگام اضافه‌شدن وندها به همراه واژه‌بست، ابتدا وندها اضافه می‌شوند و سپس واژه‌بست و اگر غیر از این باشد واژۀ حاصل غیرقابل قبول است.

(36) *[[[var[xond] de] om] — خواندمش

(37) *[[[daftar] i] un] — دفترهایش

(38) *[[[dokma] enǰe] un] — دکمه‌هایش

بدین ترتیب، نحوۀ قرارگرفتن واژه‌بست‌ها در این گویش مطابق با متغیر دهم آیخن‌والد است، یعنی واژه‌بست‌ها عمدتاً بعد از همۀ وندها افزوده می‌شوند. همچنین از آنجا که وندها

۱- در اینجا مقصود از مالک بی‌جان مثلاً پیراهن است (دکمه‌های پیراهن) و نه دکمه‌های او

نمی‌توانند به کلماتی که واژه‌بست دارند اضافه شوند، معیار هشتم نیز تایید می‌شود. معیار هشتم نیز حاکی از آن است که واژه‌بست‌ها می‌توانند به واژه‌هایی که دارای واژه‌بست هستند اضافه شوند که مثال (۳۹) مؤید این مطلب است:

(39) lebâs=i=r nega لباسش را نگاه کن

نگاه (کن) را= -ش= لباس

تمامی واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش دارای فقط یک هجا هستند و از نظر ویژگی‌های زبرزنجیری هیچ‌گاه تکیهٔ اصلی روی واژه‌بست‌ها قرار نمی‌گیرد. بنابراین این ویژگی واژه‌بست‌های ضمیری با معیار پنجم آیخن‌والد (۲۰۰۳) یعنی با خصوصیت واجی، واج‌آرایی و زنجیری واژه‌بست‌ها مطابقت دارد.

بر طبق پارامتر ششم آیخن‌والد (۲۰۰۳)، تفاوت واژه‌بست با وند در رابطه با فرایند واجی در مرز واژهٔ میزبان–واژه‌بست اعمال می‌شود. در گویش قاینی فرایندهای واجی در مرز واژه‌بست‌ها اعمال می‌شوند، بنابراین این معیار نیز دربارهٔ واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش تأیید می‌شود.

معیار هفتم آیخن‌والد (۲۰۰۳) رابطهٔ واژه‌بست‌ها با مکث را بیان می‌کند. در گویش قاینی، واژه‌بست‌های ضمیری بدون مکث به صورت پیوسته با واژهٔ میزبان تلفظ می‌شوند. یکی از دلایلی که ضمایر سوم شخص را واژه‌بست درنظر می‌گیریم این است که اگر این ضمایر به صورت منفصل /ʔi/ و /ʔinu/ یا به عبارت دیگر با مکث بین واژهٔ میزبان و ضمیر تلفظ شوند، مفهوم دیگری پیدا می‌کند و دیگر واژه‌بست نخواهد بود:

(40) hara-y=i / hara-y =inu باهاش / باهاشون

(41) hara ʔi/ hara ʔinu با این / با اینها

از مثال (۴۱) معنای وسیله و بی‌جان‌بودن استنباط می‌شود و در این صورت hara ʔi معادل hara-y=enǰe (با آن وسیله) خواهد بود.

پارامتر نهم به نحوهٔ قرارگرفتن واژه‌بست‌ها در زنجیرهٔ واژه‌بستی اشاره دارد و همانگونه که پیشتر اشاره شد، واژه‌بست فاعلی و مفعولی به انتهای فعل و واژه‌بست‌های ضمایر شخصی سوم شخص پس از گروه اسمی، صفت، حرف اضافه، ضمیرپرسشی و یا ضمیر اشاره اضافه می‌شوند.

واژه‌بست‌های ضمیری در گروه واژه‌بستی خود نقش‌های دستوری مختلفی برعهده دارند:

الف. واژه‌بست e/-de- در نقش مفعول صریح بی‌جان و فاعل سوم شخص مفرد

ب. ضمایر متصل شخصی سوم شخص در نقش‌های دستوری مختلفی چون متمم حرف اضافه و اضافهٔ اسمی ظاهر می‌شوند.

این ویژگی‌های واژه‌بست‌های ضمیری، در گویش قاینی، مطابق با پارامترهای یازدهم (ارتباط واژه‌بست‌ها با واژه‌های دستوری) و دوازدهم (میدان عمل نحوی واژه‌بست‌ها) آیخن‌والد (۲۰۰۳) هستند.

معیار چهاردهم آیخن‌والد به قواعد نحوی ویژهٔ واژه‌بست‌ها می‌پردازد، به این ترتیب که قواعد نحوی مانند حرکت و حذف به قرینه بر ترکیب «واژه‌بست+ واژه» مانند «واژه+ واژه» عمل می‌کنند، به این مفهوم که واژه‌بست عنصر نحوی هم‌ردیف واژه تلقی می‌شود.

(42) ketab-u o daftar-un=i کتاب‌ها و دفترهایش

طبق مثال (۴۲) واژه‌بست i- به کل گروه اسمی یعنی کتاب‌ها و دفترها اضافه شده‌است.

از لحاظ معنی، واژه‌بست‌های ضمیری به رابطهٔ ساختی یا دستوری خاصی از جمله مفعول صریح، فاعل، اضافهٔ ملکی و متمم حرف اضافه اشاره می‌کند که از این نظر تصدیق‌کنندهٔ بیشتر معیارهای آیخن‌والد (۲۰۰۳) است.

۵-۵. نکاتی پیرامون نظام حالت

نظام مطابقه در گویش قاینی همانند فارسی معیار فاعلی–مفعولی (کریمی، ۱۳۹۱) است. اما زمانی که واژه‌بست فاعلی و مفعولی e- حضور دارد وضع کمی متفاوت است. چون واژه‌بست e- به تمام زمان‌های افعال اضافه می‌شوند، لذا برای تحلیل دو حالت درنظر می‌گیریم.

حالت الف. اتصال واژه‌بست e– به افعال سوم شخص مفرد:

(43) var-me-gad=e او می‌گوید

(44) mašin=a va-me-stun-ad=e ماشین را می‌گیرد او

(45) ali va-me-stun-ad=e علی می‌گیردش

چنانچه مثال‌های (۴۳) و (۴۵) را با هم درنظر بگیریم، یعنی حالتی که فاعل فعل لازم و مفعول به یک صورت نشان داده می‌شوند و فاعل فعل متعدی به صورتی متفاوت، در این

صورت S=O≠A که نشان‌گر حالت کنایی است. حالت دیگر این است که مثال‌های (۴۳) و (۴۴) را با هم در نظر بگیریم، یعنی حالتی که فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی به یک صورت نشان‌دار می‌شوند و مفعول به صورتی متفاوت. بنابراین در این حالت نظام فاعلی- مفعولی حاکم خواهد بود (S=A≠O).

برهمین اساس، در این گویش، تنها زمانی حالت کنایی حاکم است که در جملهٔ دارای سوم شخص مفرد e- نقش مفعولی داشته باشد، در این صورت نشانهٔ یکسان با فاعل فعل لازم و نشانهٔ متفاوت با فاعل فعل متعدی دارد.

حالت ب. اتصال واژه‌بست e- به افعال غیر سوم شخص مفرد:

(46) var-mo-gu-y-om می‌گویم

(47) va-me-stun-om=de می‌گیرمش

در مثال (۴۶) و (۴۷) فاعل تنها با شناسه نشان داده شده و در زمانی که فعل به صورت غیرسوم شخص مفرد باشد، واژه‌بست فاعلی به‌کار نمی‌رود. در مثال (۴۷) واژه بست de- تنها مفهوم مفعولی دارد. در این حالت چون فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی نشانهٔ یکسانی دارند (در واقع هر دو واژه بست مختص به خود ندارند) و مفعول نشانهٔ دیگری دارد (واژه- بست e-) بنابر این نظام حالت، فاعلی-مفعولی است (S=A≠O).

۶. نتیجه‌گیری

در این جستار، به بررسی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی پرداختیم. در این گویش واژه‌بست مفعولی و فاعلی (d)e- وجود دارد که فعل را به عنوان میزبان خود برمی‌گزیند و به آن پی‌بست می‌شود. واژه‌بست مفعولی تنها به مفعول مفرد غیرجاندار اشاره دارد و در زمانی که مفعول حضور ندارد به فعل متعدی در همهٔ شخص‌ها و زمان‌ها اضافه می‌شود. واژه‌بست فاعلی به فاعل سوم شخص مفرد (عمدتاً جاندار) اشاره دارد و در زمان عدم حضور فاعل، به فعل سوم شخص مفرد در تمام زمان‌ها اضافه می‌شود. ضمایر شخصی واژه‌بستی هم در این گویش تنها شامل ضمایر سوم شخص می‌شوند که عبارتند از i- (برای اشاره به سوم شخص مفرد جاندار و بی‌جان)، inu- (برای اشاره به سوم شخص جمع جاندار و بی‌جان) و enǰe- (برای اشاره به اشیاء). این ضمایر شخصی واژه‌بستی به واژه‌های میزبان از طبقهٔ اسم، صفت،

حرف اضافه، ضمیرپرسشی و یا ضمیر اشاره متصل می‌شوند. واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش براساس معیارهای پانزده گانهٔ آیخن والد (۲۰۰۳) بررسی شد و از نظر واژه‌بست بودن مورد تأیید قرار گرفت. در انتها به بررسی نظام مطابقه براساس واژه‌بست‌بست‌های مفعولی و فاعلی پرداختیم و ذکر کردیم که تنها زمانی در این گویش حالت کنایی حاکم است که در جملهٔ دارای فعل سوم شخص مفرد، e(d)– نقش مفعولی داشته باشد، در این صورت نشانهٔ یکسان با فاعل فعل لازم و نشانهٔ متفاوت با فاعل فعل متعدی دارد.

منابع پژوهش

۱ ـ اردوان، سیدجلال و ابوالفضلی، بی‌بی سعادت. (۱۳۹۱). ***خنده سیمرغ: مجموعه افسانه‌های قاینی***. انتشارات اکبرزاده.

افضل‌نژاد، محمد. (۱۳۷۷). بررسی و توصیف گویش سده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

۲ ـ امامی، حسن و ناصری، زهره‌سادات. (۱۳۸۸). بررسی برخی مختصات نحوی و آوایی گویش قاینی. ***فصلنامهٔ مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان***، ۱ (۱۴)، صص ۵–۳۶.

۳ ـ باباسالاری، زهرا، یزدان‌شناس، حیدر، شرف‌زاده، محمدحسین و یزدانی، سعید. (۱۳۹۸). واژه‌بست در گویش تنگستانی، مجلهٔ زبان و زبان‌شناسی، ۱۵ (۲۲)، صص ۱۸۱–۲۰۶.

۴ ـ دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). ***رده‌شناسی زبان‌های ایرانی***. تهران: انتشارات سمت.

۵ ـ راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۹). واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل، ***پژوهش‌های زبان‌شناسی***، ۲ (۲)، صص ۷۵–۸۵.

۶ ـ راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۱). واژه‌بست‌های ضمیری در گویش رایجی آران و بیدگل، ***نامهٔ فرهنگستان: ویژه‌نامهٔ زبان‌ها و گویش‌های ایرانی***، ۱، صص ۱۶۱–۱۷۲.

۷ ـ زاهدی، کیوان، خلیقی، محمد، ابوالحسنی چیمه، زهرا و گلفام، ارسلان. (۱۳۹۱). ضمیر بازیافتی در زبان فارسی، ***پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)***، ۳ (۳)، صص ۱۰۱–۱۲۱.

۸ ـ زمردیان، رضا. (۱۳۵۰). ویژگی‌های گویش قاین، ***جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)***، ۵. صص ۱۴۳–۱۵۲.

۹ ـ زمردیان، رضا (۱۳۶۸). ***زبان‌شناسی عملی: بررسی گویش قاین***. انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۰ ـ زمردیان، رضا (۱۳۸۵). ***واژه‌نامهٔ گویش قاین***. انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۱۱ ـ جم، بشیر، ناصری، زهره‌سادات و رزم‌دیده، پریا. (۱۴۰۰). بررسی صورت آوایی واژه های جمع مختوم به همخوان در گویش قاینی بر پایهٔ نظریهٔ بهینگی لایه ای، *مجلهٔ زبان‌پژوهی*، **آمادهٔ انتشار.**

۱۲ ـ حامدی شیروان، زهرا. شریفی، شهلا و الیاسی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی و توصیف واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی، *دوماهنامهٔ جستارهای زبانی*، **۷ (۴)، صص ۱۲۵–۱۴۸.**

۱۳ ـ شریفی، شهلا. (۱۳۸۹). واژه‌بست/e/ و کارکرد و محدودیت‌های آن در گویش کاخکی. *پنجمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی.*

۱۴ ـ شریفی، شهلا و صبوری، نرجس بانو. (۱۳۹۷). بررسی ضمایر واژه‌بستی در برخی گویش‌های فارسی خراسان‌های رضوی و جنوبی، *مجلهٔ پژوهش‌های زبان‌شناسی*، **۱۹، صص ۱-۱۴.**

۱۵ ـ شقاقی، ویدا. (۱۳۷۴). واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟ *مجموعه مقالات سومین کنفرانس زبان‌شناسی*، **تهران، دانشکدهٔ ادبیات زبان‌های خارجه، دانشگاه علامه طباطبایی.**

۱۶ ـ صراحی، محمدامین، علی‌نژاد. بتول. (۱۳۹۲). رده‌شناسی واژه‌بست در زبان فارسی. *مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، **۵ (۱)، صص ۱۰۳–۱۳۰.**

۱۷ ـ عاملی، خدیجه. (۱۳۹۴). *بررسی توصیفی ساخت‌واژهٔ گویش قاینی*. **پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور استان خراسان جنوبی.**

۱۸ ـ کریمی، یادگار. (۱۳۹۱). مطابقه در نگام کُنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه‌بست و وند، *مجلهٔ پژوهش‌های زبان‌شناسی*، **۴ (۲)، ۱–۱۸.**

۱۹ ـ لباف خانیکی، مجید. (۱۳۸۱). ساختمان فعل در گویش روستای خانیک. ***مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران***. به کوشش حسن رضایی باغ بیدی. نشرآثار. صص۴۹۹–۵۱۶.

۲۰ ـ مختاری، حسن؛ مقداری، صدیقه‌سادات و مختاری، اعظم. (۱۳۹۲). ***زعفرو به مثقال، ضرب‌المثل‌های قاینی***. انتشارات اکبرزاده.

۲۱ ـ مزینانی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). ***بررسی پی‌بست‌های ضمیری گویش مزینانی در قیاس با فارسی میانه***، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

۲۲ ـ مزینانی، ابوالفضل و شریفی، شهلا. (۱۳۹۴). بررسی نظام واژه‌بستی ضمیری در تاریخ زبان فارسی و علل تحول آن، ***دوماهنامهٔ جستارهای زبانی***، ۶ (۲۵)، صص ۲۷۵–۳۰۵.

۲۳ ـ مشکوه‌الدینی. مهدی. (۱۳۸۴). ***دستور زبان فارسی (واژه‌ها و پیوندهای ساختی)***. تهران: انتشارات سمت.

۲۴ ـ مقداری، صدیقه‌السادات، طالبی، الهه، فاروقی، جلیل‌الله. (۱۳۹۷). تحلیل لالایی‌های گویش قاین از منظر جامعه‌شناسی زبان، ***زبان فارسی و گویش‌های ایرانی***، ۲، صص ۱۲۷–۱۴۸.

۲۵ ـ مفیدی. روح‌الله. (۱۳۸۶). تحول نظام واژه‌بستی در فارسی میانه و نو. ***دستور، ویژه‌نامهٔ فرهنگستان***، ۳، صص ۱۳۳–۱۵۳.

۲۶ ـ ناصری، زهره‌سادات و رزم‌دیده، پریا. (۱۳۹۹). بررسی انواع تکرار کامل در گویش قاینی برپایهٔ نظریهٔ بهینگی لایه‌ای و موازی. ***دوماهنامهٔ جستارهای زبانی***. آمادهٔ انتشار.

۲۷ ـ یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۱). برخی از جنبه‌های زبانی و فرهنگی گویش فردوس. ***مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران***. به کوشش حسن رضایی باغ بیدی. نشرآثار. صص۶۱۳–۶۳۶.

28- Aikhenvald, A. Y. (2003). Typological parameters for the study of clitics, with special reference to Tariana, pp 42-78; In ***Word: A Cross-Linguistic Typology***, edited by R.N.W. Dixon and Alexandra Aikhenvald. Cambridge: Cambridge University Press29 - Bickel, B., &Nichols, J. (2007). Inflectional Morphology, pp 169-240; In ***Language Typology and Syntactic Description***, V. III: Grammatical Categories and the Lexicon, edited by Timothy Shopen, Cambridge: Cambridge University Press.

30- Dabir-Moghadam, M. (2020). A Linguistic Survey of Khorasan: Implications for Language Isolation, Language Change and Contact Linguistics, ***Iranian Studies***, 53, 3-4, pp 353-401.

31- Jam, B., Razmdideh, P., & Naseri, Z. S. (2020). Final n- deletion in Ghayeni Persian: Opacity in Harmonic Seriali.sm & Parallel Optimality Theory. ***Iranian Studies***. 53, 3-4, pp 417-444.

32- Katamba, F. (1993). ***Morphology***. London: McMillan Press LTD.

33- Klavans, J. (1985) The Independence of Syntax and Phonology in Cliticisation, ***Language***, 61, pp 95-120.

34- , A. (1991). ***Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar.*** Cambridge: Cambridge University Press.

35- Wackernagel, Jacob. 1892. Über ein Gesetz der indogermanischen Wortstellung, ***Indogermanische Forschungen***, 1, pp 333-436.

36- Zwicky, A. (1977). ***On Clitics***. Bloomington: Indiana University Linguistic Club.

37-Zwicky, A. (1985). Clitics and Particles, ***Language***, 61, pp 283- 305

38- Zwicky, A., & G. Pullum (1983). Cliticisation vs. Inflection: English n't, ***Language***, 59, 502-513.

Clitic Pronouns in Ghayeni Dialect

Zohreh Sadat Naseri, Assistant Professor of Linguistics at Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran

z.naseri@scu.ac.ir

Pariya Razmdideh, Assistant Professor of Linguistics at Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Iran (Corresponding Author)

p.razmdideh@vru.ac.ir

Received: 17/12/2021 Accepted: 23/02/2022

Abstract

Clitics are linguistic units that have both some characteristics of words and some of the dependent morphemes. Therefore, identifying and examining them in different languages is one of the most interesting linguistic issues for linguists. Persian language is no exception to this rule. Thus, the aim of the present study is to determine and describe clitic pronouns in Ghayeni dialect based on Aikhenvald's criteria (2003). The data have been collected by descriptive-analytical method, using different sources of Ghayeni dialect and recording free speech of 20 native dialects living in Ghayen and also the intuition of one of the authors. Clitic pronouns in this dialect include the object and subject clitics - (d)e, as well as third-person attached pronouns. The results indicate that object clitics refer only to the inanimate singular object and are added to the transitive verb in all persons and tenses when the object is not present. Subject clitics refer to the third person singular verb (mostly animate) and are added to the singular third person verb at all times when the subject is not present. In the case of agreement system, the conjunctive system prevails in this dialect only when it has a passive role in the sentence with the singular third person verb, (d)e-; In this case, it has the same marking as the intransitive verb and a different marking with the transitive verb. Here clitic personal pronouns only include third person pronouns. Clitic pronouns were validated according to Aikhenvald (2003).

Keywords: clitic pronouns, object clitic, personal attached pronouns, Ghayeni dialect, Aikhenvald's criteria.